

دادگاه صالح در ورشکستگی فراسرزمینی (بین‌المللی) (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، آمریکا و قانون نمونه آنستیرال (۱۹۷۷))

مه‌دی حسین‌زاده^{۱*}، سپیده راضی^{۲**}، سیدمحسن حکمتی مقدم^{۳***}

۱. (نویسنده‌ی مسئول) دکترای فقه و حقوق خصوصی، مدرس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۹/۲۱)

چکیده

پیشرفت روزافزون تجارت خارجی موجب شده است تا مراودات تجاری افزایش یابد و تجار در سطح بین‌المللی قراردادهای مختلف تجاری منعقد نمایند. با این حال ممکن است به لحاظ تحقق زیان یا بروز حوادث مختلف در ادای دیون و ایفای تعهدات مالی ناشی از این معاملات ناتوان گردند و ورشکسته بشوند. لذا پدیده ورشکستگی بین‌المللی خصوصاً دادگاه صالح به رسیدگی به دعوی این قسم ورشکستگی، به موضوعی مهم و اساسی برای دولت‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی دخیل در امر تجارت بدل شده است، چرا که نه تنها دولت‌ها به اعمال مقررات داخلی خود تمایل دارند، بلکه در این خصوص دو سیستم اصلی، یعنی سیستم تعدد و سیستم وحدت نیز در جهان وجود دارد. تنظیم و وضع مقررات یکسان در خصوص ورشکستگی بین‌المللی کمک شایانی به حل مشکلات حقوقی در زمینه تجارت بین‌الملل خصوصاً مشکلات طلبکاران ورشکسته و مدیران تصفیه در اقامه دعوی و وصول مطالبات از تاجر ورشکسته مقیم کشور خارجی خواهد کرد. لذا کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل (آنستیرال) برای ایجاد رویه‌ای واحد در سطح بین‌المللی مبادرت به وضع قواعدی نموده که ما در این مقاله به بررسی آن می‌پردازیم. در نهایت جهت رفع این چالش، باید گفت که گرایش جهانی به سمت همسوسازی مقررات ورشکستگی بین‌المللی با مقررات قانون نمونه آنستیرال می‌باشد

* Email: hosseinzadeh.mahdi@gmail.com

** Email: sepidehrazii@yahoo.com

*** Email: mohsenhekmati@yahoo.com

در عین حال از آنجایی که مبانی قانون نمونه با حقوق ایران و حقوق طلبکار ایرانی انطباق کامل ندارد لازم است که از اقتباس مطلق از این قانون خودداری شود.

کلیدواژه‌گان: ورشکستگی بین‌المللی، دادگاه صالح، قانون نمونه، اقامتگاه تاجر، مرکز منافع اصلی بدهکار

مقدمه

جهان حقوقی مدرن با سیستم‌های حقوقی مختلف و تعدد قوانین روبه‌رو است و این تعدد و تکثر قوانین، افزایش تعداد معاملات برون مرزی را با مشکلات جدی روبرو کرده است. رشد گسترده اقتصاد بین‌المللی منجر به افزایش تعداد شرکت‌ها و موسسات بین‌المللی به تبع آن بر میزان ورشکستگی‌های بین‌المللی نیز افزوده شده است. به همین دلیل ممکن است حقوق طلبکاران و بدهکاران تحت تاثیر قوانین داخلی نابرابر و گوناگونی قرار گیرد که متضمن رفتارهای متفاوتی در این شرایط می‌باشند (Granfield, 2008, p.29). از آنجا که ساختار حقوقی رسمی و غیررسمی وجود ندارد و قوانین کشورها در خصوص ورشکستگی، اغلب در مورد دعاوی فرامرزی نیز ناقص هستند در برخورد با این دعاوی معمولاً رویکردهایی غیرهماهنگ و نامناسب اتخاذ می‌شود که نجات و بازسازی بنگاه‌های تجاری دچار مشکلات مالی را دشوار یا غیرممکن ساخته و مانع از مدیریت منصفانه و کارآمد ورشکستگی فرامرزی می‌شود.

در مورد تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به ورشکستگی داخلی مشکل چندانی پیش نمی‌آید، چرا که هر کشور بر طبق قانون داخلی خود عمل کرده، اصولاً دادگاه محل اقامت تاجر را صالح به رسیدگی می‌داند، اما در مورد ورشکستگی بین‌المللی اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. از جمله اینکه برخی کشورها خود را نسبت به تمامی اموال بدهکار صالح به رسیدگی می‌دانند و برخی دیگر تمایلی به دخالت در امور بدهکار در دیگر کشورها ندارند حال اگر یک موضوع ورشکستگی در صلاحیت دو کشوری باشد که قائل به صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های خود هستند و یا اینکه اگر چند کشور هم زمان مبادرت به رسیدگی در موضوع ورشکستگی شخص واحد نمایند باعث ایجاد مشکلات فراوان می‌شود.

از طرفی محل اقامت شخص، محلی که اموال در آن قرار دارد و یا در خصوص شرکت چند ملیتی دادگاه کشوری که شرکت در آنجا باهم اختلاط پیدا کرده‌اند؟ در عرصه بین‌المللی وجود شخصیت حقوقی مستقل شرکت، مانع از این می‌شود که کشور متبوع سهامداران بتواند از ادعاهای

متعلق به شرکت، از سهامداران شرکت اصلی، حمایت سیاسی نماید (Chopra, 1994, p.238). لذا تعیین دادگاه صالح و ایجاد رویه هماهنگ بین کشورها، هم باعث تسریع در رسیدگی به این گونه دعاوی، و هم موجب مدیریت کارآمد و منصفانه دعاوی ورشکستگی خواهد شد.

در پژوهش حاضر هدف این است که با بررسی حقوق آمریکا - با توجه به اینکه که قواعد و مقررات جامعی در این زمینه دارد - و همچنین کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) در سال ۱۹۹۷ که قانون نمونه‌ای را در خصوص ورشکستگی بین‌المللی تدوین و تصویب کرده است به کشورهای ایران که قصد دارند در قوانین ملی خود مقررات ورشکستگی این کنوانسیون را درج نمایند کمک نمائیم که بطور دقیق با مبانی نظری حاکم بر کنوانسیون آنسیترال و حقوق آمریکا آشنا شده و قانونگذار با آگاهی از معایب، مشکلات اجرایی و مزایای کنوانسیون آنسیترال، مبادرت به قانونگذاری نماید و صرفاً براساس اقتباس از کنوانسیون آنسیترال که بر اساس دیدگاه کشورهای توسعه یافته تنظیم شده است مبادرت به قانونگذاری ننماید.

بنابراین برای پاسخ به پرسش‌های زیر که: دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ورشکستگی بین‌المللی کدام دادگاه است؟ اگر حکم ورشکستگی بدهکار در یکی از کشورهایی که بدهکار در آنجا اموالی دارد صادر شود، این حکم تا چه اندازه نسبت به اموال و بستانکاران تاجر در خارج از آن کشور می‌تواند نفوذ داشته باشد؟ در ابتدا به بررسی تعریف ورشکستگی و نظریات حقوقی پیرامون آن و سپس به بررسی دیدگاه قوانین و کنوانسیون‌ها پرداخته و در نهایت به بررسی معایب یا مزایای تبعیت ایران از قانون نمونه آنسیترال و پیشنهادهای به قانونگذار ایرانی ارائه می‌گردد.

۱. تعریف ورشکستگی

۱-۱. تعریف ورشکستگی

همزمان با وقوع ورشکستگی، روابط افراد دچار تغییر اساسی می‌شود؛ سهامداران و طلبکاران موقعیت اقتصادی خود را تغییر می‌دهند. بدون شک یکی از دلایل بنیان قانون ورشکستگی، توانایی پرداختن به مشکلات هماهنگی میان طلبکاران در جهت تخصیص مناسب دارایی‌های بدهکار می‌باشد (Mucciarelli, 2013, p.179).

ورشکستگی در لغت به معنای درماندگی در کسب و تجارت بوده و وضعیت بازرگانی است که توقف در پرداخت دیون وی ایجاد شود و به عبارت دیگر ورشکستگی از ناتوانی در پرداخت‌ها

به وسیله شخص تاجر اعم از حقیقی یا حقوقی ایحاد می‌شود به نحوی که به همین دلیل نمی‌تواند تعهدات تجارتي خود را عملی کند. ماده ۴۱۲ قانون تجارت در تعریف ورشکستگی بیان می‌دارد که ورشکستگی در نتیجه‌ی توقف از تادیه وجوهی که برعهده تاجر است حاصل می‌شود. پس در حقوق ایران ورشکستگی ویژه تاجر است، در حالی که در کشورهای گروه حقوق ژرمن و انگلوساکسون^۱، حالت ورشکستگی و اعلام حکم ورشکستگی هم برای تاجر و هم برای غیر تاجر به کار می‌رود (انصاری معین، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷).

۱-۲. تعریف ورشکستگی فرامرزی^۲

توسعه‌ی رو به رشد تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی موجب گردیده است که معاملات، چهره‌ی برون‌مرزی یافته است. این معاملات باعث می‌شوند در بسیاری از موارد، تاجران اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی، دارای اموالی در کشورهای مختلف گردند و یا در مواردی شرکت‌های چند ملیتی، که در یک یا چند کشور دارای شعبه یا شرکت فرعی هستند، در پرداخت بدهی‌های خود دچار توقف شوند و همین امر موجب می‌شود طلبکارانی در کشورهای مختلف پدیدار شوند و ورشکستگی بین‌المللی حاصل گردد.

اصطلاح ورشکستگی فراسرزمینی تعریف نشده است اما با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که ورشکستگی فراسرزمینی به وضعیتی اطلاق می‌شود که بحران اقتصادی برای یک شخص که مرتبط با دو یا چند کشور است اتفاق می‌افتد و رسیدگی به ورشکستگی شخص در صلاحیت دو یا چند کشور باشد. (Bufford, 2001, p.1) اهمیت بررسی این موضوع از این حیث است که با مقررات داخلی کشورهایی که لزوماً متحدالشکل نیستند روبرو هستیم.

۲. بررسی نظریات حقوقی در خصوص دادگاه صالح

به منظور درک بهتر از قواعد آنسیترال و حقوق آمریکا که در لایحه قانون تجارت مورد استفاده قرار گرفته است لازم است که با مبانی نظری که منجر به تصویب این قواعد شده، آشنا شویم. لذا در ابتدا به بررسی نظریات مطروحه در خصوص ورشکستگی فراملی می‌پردازیم، در حقوق بین‌الملل

۱. به عنوان نمونه انگلستان هر بدهکاری را مشمول نظام ورشکستگی می‌داند.

۲. “International insolvency” or “cross-border insolvency”

خصوصی دو نظریه اصلی و مغایر باهم، عرضه و بیان شده، که البته کشورها این دو نظریه سنتی را به صورت تلفیقی اجرا نمودند هر چند بعداً نظریه سومی مطرح شده است. لذا در این قسمت در سه دسته به بیان این نظریات پرداخته می‌شود که عبارتند از: نظریه وحدت و عمومیت ورشکستگی (Universalism theories)؛ نظریه سرزمینی بودن (Territorial theories) یا چندگانگی ورشکستگی و در پایان نظریه سرزمینی بودن مبتنی بر همکاری (Cooperative Territoriality).

۱-۲. نظریه وحدت و عمومیت ورشکستگی (جهان شمولی مطلق و جهان شمولی تعدیل شده)^۱
جهانگرایی به عنوان یک تئوری در ورشکستگی بین‌المللی مطرح است که براساس آن یک دادگاه مرکزی و اصلی رسیدگی به امر ورشکستگی را در سراسر جهان برعهده دارد و حکم صادر می‌کند و دادگاه‌های کشورهای دیگر بایست با آن دادگاه همکاری نمایند. (Westbrook, 2006, p.321)
طبق این نظریه، دادگاه اصلی همانا دادگاه محل اقامت ورشکسته است، خواه ورشکسته شخص حقیقی و یا شخص حقوقی باشد. در صورتی که ورشکسته شخص حقوقی باشد دادگاهی که مرکز اصلی شخص حقوقی در حوزه آن واقع شده است صالح به رسیدگی خواهد بود (Loussouarn, 1969, p.779). هرگاه دادگاه محل اقامت بدهکار حکم ورشکستگی او را صادر کند حکم مزبور شامل کلیه عناصر دارایی و نیز کلیه طلبکاران واقع در حوزه صلاحیت دادگاه صادر کننده حکم و خارج از آن حوزه می‌شود. (Westbrook, 2005, p.625) به هر حال رویکرد مدرن این نظریه در فرم آینده آل آن، این است که تمام فرایند رسیدگی و تقسیم اموال یا سازماندهی مجدد توسط یک دادگاه صورت گیرد. به اعتقاد یکی از حقوقدانان دو رکن ضروری در این نظریه در ورشکستگی بین‌المللی عبارتند از دادگاه واحد و قانون واحد که در هر مورد اعمال شود. (Ibid, p.2292)

البته با توجه به انتقاداتی که در خصوص مفهوم مطلق این نظریه مطرح شد، باعث گردید که طرفداران این نظریه تاحدی مفهوم نظریه جهان شمولی را تعدیل نمایند و برای دادگاه خارجی اجراکننده حکم مزبور، حق بررسی مقررات و دادرسی کشور خارجی (صادرکننده حکم) را از لحاظ منصفانه بودن و همچنین شباهت قانون کشور خارجی جهت حمایت از طلبکاران داخلی را قبل از صدور اجازه اجرای حکم، را بدهند تا در صورتی که این موارد را احراز کرد دستور اجرا و

حکم به احاله بدهد. (Ibid, p.2300) در غیر این صورت، حق امتناع از همکاری را دارد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵).

طرفداران این نظریه برای اثبات ادعای خود چند دلیل بیان می‌دارند:

۱. حقوق ورشکستگی اصولاً تحت تاثیر اصل تساوی طلبکاران قرار دارد. وقتی اموال ورشکسته در چند کشور پراکنده باشد تعقیب این هدف دچار پیچیدگی می‌شود. این اصل بیان می‌دارد که کلیه بستانکاران باید سرنوشتی همانند و یکسان یابند و از وصول مطالبات یک طلبکار و عدم پرداخت طلب‌های بستانکاران دیگر جلوگیری شود.

حال اگر نظریه چندگانگی ورشکستگی پذیرفته شود در این صورت، طلبکاران برای رسیدن به طلب خود باید به کشورهایی که ورشکسته در آنها مالی دارد، رفته و از دادگاه‌هایی که اموال در آنجا قرار دارد صدور حکم ورشکستگی و پرداخت طلب خود را بخواهند. این اتفاق، برای شخص طلبکار پیچیدگی ایجاد می‌کند چرا که اصولاً طلبکار از اموال ورشکسته در خارج از اقامتگاه او مطلع نیست و حتی اگر هم مطلع باشد و تقاضای پرداخت طلب خود را از دادگاه خارجی بکند، قاضی رسیدگی‌کننده طلبکاران محلی را بر او ترجیح می‌دهد و در نتیجه اجرای اصل تساوی بستانکاران دچار خدشه می‌شود، بدین ترتیب فقط از راه وحدت صلاحیت قضایی این مشکل حل می‌شود.

۲. مزیت دیگر وحدت ورشکستگی اجرای سیاست‌های واحد قانونگذاری است. اگر بازسازی یا احیای بنگاه اقتصادی مورد توجه مقنن کشور متبوع شرکت باشد، از طریق اعمال نظریه وحدت به سهولت می‌توان به این رسالت جامه عمل پوشاند (صقری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۶۸۶) و گرنه هر کشور مقررات مخصوص به خود را دارد. لذا یک شرکت ممکن است بر پایه مقررات متفاوت هم‌زمان در یک کشور مشمول بازسازی بوده و در کشور دوم قرارداد ارفاقی منعقد کند و در کشور سوم به تصفیه اموال سپرده شود.

۳. دلیل دیگری که طرفداران این نظریه بیان می‌دارند، این می‌باشد که وحدت اموال از خصوصیات بارز شخصیت در بسیاری از کشورها (از جمله ایران) است، فلذا یک تاجر نمی‌تواند بیش از یک دارایی داشته باشد و فرض ورشکستگی شعبه یک شرکت با حاکمیت وحدت اموال مغایرت دارد. در نتیجه، باید یک دادگاه واحد که همان دادگاه محل استقرار شرکت مادر است، به آن رسیدگی کند.

۴. مخارج وحدت ورشکستگی از هزینه‌ی تعدد ورشکستگی نازل‌تر است و به لحاظ وحدت مدیر تصفیه و وحدت دارایی و وحدت قانون، سهولت زیادی برای دادرسی ورشکستگی فراهم می‌سازد (عرفانی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۸۴).

۵. براساس این نظریه، وجود دادگاه واحد عملاً مشکلات مربوط به انتخاب قانون حاکم نیز از بین می‌رود (Chung, 2006, p.89).

مخالفان این نظریه به ترتیب بیان شده در بالا هر کدام از دلایل موافق با این نظریه را نقد می‌کنند:

۱. این نظریه که مبتنی بر هدف ورشکستگی است قابل انتقاد است، زیرا از لحاظ هدف ورشکستگی که عبارت است از ایجاد تساوی بین طلبکاران ورشکسته، تحقق‌پذیر نیست. وقتی رسیدن به این هدف امکان‌پذیر است که همه‌ی مدارک و دلایل در دسترس دادگاه مامور رسیدگی کننده قرار بگیرد اما در عمل گردآوری مدارک لازم برای رسیدگی واحد مشکل به نظر می‌رسد. همچنین اجرای نظریه اخیر سبب می‌گردد تا در مورد اموال محلی، تعدادی بستانکار ناخواسته بیگانه در کنار طلبکاران ملی ظاهر شوند، طلبکارانی که از وجود آنها اطلاعی در دست نبوده در کشورهای دیگر معتبر شناخته شوند که این در عمل مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

۲. در مورد وحدت اموال نیز اظهار عقیده شده است که امروز اجرای مطلق آن باید به فراموشی سپرده شود، چرا که این امر بیشتر در حقوق داخلی قابلیت توجه و اعمال دارد.

۳. اگرچه نظریه وحدت موجب سهولت در دادرسی می‌شود، اما غالباً دادگاه‌ها آثار حقوقی حکم ورشکستگی صادره از کشور خارجی را در کشور خود قبول ندارند و قانون ملی را اقوی و اولی می‌دانند (Jadaud, 1976, p.28). حتی اگر نظریه تعدیل شده را هم بپذیریم باز هم از پذیرفتن نماینده خارجی در فروش اموال بدهکار خودداری می‌نمایند و نمی‌تواند راه حل مناسب در این زمینه باشد.

۲-۲. نظریه سرزمینی بودن و چندگانگی ورشکستگی

در مقابل با نظریه جهان شمولی، کشوری که از نظریه سرزمینی پیروی می‌کند تلاش می‌کند که اموال بدهکار خارجی را جهت کمک به طلبکار داخلی نگه دارد (Gerber, 2003, p.2057)، لذا به موجب این نظریه، حکم ورشکستگی بدهکار را می‌توان در تمام کشورهای بدهکار دارای طلبکار و اموال است صادر کرد و حکم صادر شده در محل اقامت بدهکار به تنهایی ملاک تصفیه

اموال ورشکسته در تمام کشورهای مربوطه نخواهد بود (اسکینی، ۱۳۹۰، ص ۱۱). طرفداران این نظریه می‌گویند که طلبکاران با شعبه‌ی شرکت بیگانه با توجه به دارایی موجود همان بخش معامله نموده‌اند و نه با در نظر گرفتن کل اموال شرکت مادر در چند کشور متفاوت، لذا همین قسمت از دارایی به طور اصولی وثیقه پرداخت مطالبات آنان خواهد بود که به سادگی قابل دسترسی و توقیف است.

در نظریه سرزمینی بودن، وجود شعبه یا نمایندگی و حتی اشتغال به تجارت، و یا قرار داشتن اموال و دارایی شرکت در سرزمین یک کشور کافی است تا دادگاه آن کشور صالح برای رسیدگی به دعوی توقف باشد. در این روش امکان صدور حکم توقف به تعداد کشورهای محل وقوع اموال بدهکار است. به عبارت دیگر حکم توقف شرکت در هر کشوری که اعلام شود، طلبکاران محلی آن کشور برای وصول مطالبات خود از محل اموال متوقف نسبت به طلبکاران وی در سایر کشورها حق تقدم دارند و دادگاه هر کشور در رسیدگی به ورشکستگی، صرفاً نسبت به اموالی که در قلمرو آن کشور واقع شده صلاحیت رسیدگی دارد (Lopucki, 1999, p.701) بر اساس روش سرزمینی، هر کشوری اقدامات خود را در مورد ورشکستگی با توجه به دارایی‌های واقع در حوزه قضایی خود بدون در نظر گرفتن هر گونه دادرسی موازی در یک کشور خارجی انجام می‌دهد (Bufford and Others, 2001, p.7)

در عمل کشورهای مختلف به درجات متفاوتی این دیدگاه را اعمال می‌نمایند، به عنوان مثال در سیستم‌های مطلقاً سرزمینی، طلبکاران خارجی، حتی در فرضی که در کشور رسیدگی کننده عملاً دارای اموال یا منابع مالی هستند، حق ورود در صف غرما را ندارند. حال آنکه بر اساس دیدگاهی متعادل‌تر، طلبکاران خارجی صرفاً نسبت به مطالباتی که از تعهدات بدهکار در مرزهای داخلی ایجاد شده است، حق ورود به جمع طلبکاران و استفاده از حق تقدم‌های احتمالی را دارند (Lopucki, 1999, p.709). حال به دلایل موافقان این نظریه و منتقدان پرداخته می‌شود.

موافقان نظریه سرزمینی بودن ورشکستگی در اثبات ادعای خود این دلایل را ابراز می‌نمایند:

۱. طلبکار برای مطالبه حق خود ناچار نیست به خارج از کشور خود عزیمت کند و در صورتی که اشخاص معامله‌ای با شعبه یک شرکت در کشوری انجام داده‌اند و در نتیجه مطالباتی دارند، می‌توانند از اموال موجود آن شعبه که در واقع قسمتی از دارایی شرکت مادر می‌باشد به نسبت حصه خود برداشت نمایند، در حالی که چنانچه سیستم مبتنی بر وحدت بکار گرفته شود بستانکاران ناچارند به کشور دیگر عزیمت کنند و نسبت به مطالبه حقوق خود اقدام نمایند. در این وضعیت چه

بسا ممکن است بر اثر عدم اطلاع از مقررات کشوری که دادرسی ورشکستگی در آنجا انجام می‌گیرد و یا به واسطه انقضای مهلت‌های قانونی موجبات تضییع حقوق آنها فراهم گردد (Kipnis, 2008, p.169).

۲. دولت‌ها حاضر نیستند قانون کشور دیگری را که با حمایت از اعتبار شرکت‌های تجارتي ارتباط مستقیم دارد، مورد شناسایی قرار دهند، زیرا چنین امری در حقیقت با نظم عمومی آنها ارتباط مستقیم دارد. به عبارت دیگر وقتی که شرکت تجارتي ورشکسته می‌شود، باید اموال آن به فروش رود و وجوه حاصل بین طلبکاران تقسیم گردد. بدیهی است برای انجام عملیات مزبور همکاری مقامات قضایی و استفاده از قوای دولتی مورد نیاز خواهد بود (عرفانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷). مقامات قضایی کشور باید بر اجرای حکم ورشکستگی و تقسیم اموال و به طور کلی تصفیه آنها نظارت دقیق داشته باشند. لذا حکم جز جنبه سرزمینی، جنبه دیگری نخواهد داشت و فقط در این محدوده موثر است.

۳. ارتباط تنگاتنگ تصفیه دارایی ورشکسته با قوانین راجع به اموال - به ویژه اموال غیرمنقول - به سرزمینی بودن ورشکستگی و مقررات آن شدت بیشتری می‌دهد.

عمده اشکالی که منتقدان وارد می‌کنند، تعارض احتمالی میان تصمیمات و احکام صادر شده در کشورهای مختلف است که ممکن است توسعه‌ی مبادلات تجاری بین‌المللی را دشوار سازد (نصیری، ۱۳۸۳، ص ۳۵۶).

اگرچه اختلاط میان نظریه وحدت و نظریه چندگانگی ورشکستگی به لحاظ تضاد ساختاری در ظاهر دو نظریه غیر عملی جلوه می‌کند، و لیکن اینگونه نیست. رویه قضایی فرانسه اصل وحدت و عمومیت مقررات را برای اموال منقول و نظریه سرزمینی و چندگانگی ورشکستگی مقررات را برای اموال غیر منقول پذیرفته است. در انگلیس، حکم ورشکستگی صادره خارجی هیچ گونه آثاری در اموال غیر منقول واقع در آن کشور ندارد. (عرفانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲).

۲-۳. نظریه سرزمینی مبتنی بر همکاری

این نظریه شبیه روش سرزمینی بودن است که عموماً در زمینه ورشکستگی بین‌المللی استفاده می‌شود و اشاره دارد به سیستمی که در آن دادگاه هر کشوری موضوع ورشکستگی را نسبت به دارایی‌ها و اموال داخل در قلمرو سرزمین خود رسیدگی کرده و سایر حقوق کشورها را نیز به رسمیت می‌شناسد. (Lopucki, 1999, p.742).

و بر اساس نظریه سرزمینی مبتنی بر همکاری، دادگاه‌های ورشکسته در یک کشور دارایی‌های بدهکاران چند ملیتی درون مرزهای آن کشور را به‌عنوان یک طبقه مجزا و بدهکار مستقل مدیریت کنند چنانچه یک بدهکار بطور مشخص دارایی‌هایی در چندین کشور داشته باشد چندین موارد ورشکستگی مستقل تلقی می‌شود.

مهم نیست که رسیدگی بطور اولیه یا اصلی باشد یا ثانویه و فرعی. هر کدام از دادگاه‌ها تصمیم می‌گیرند تا با قانون محلی خودشان دارایی‌های داخل در قلمرو آن کشور را رسیدگی و سازماندهی یا تسویه نمایند. (Ibid, p. 742)

اما تفاوت اصلی این روش با روش سرزمینی بودن، مربوط به همکاری دادگاه‌ها است و در این روش دادگاهها باید حق تقدم‌های مربوط به اموال موجود در سرزمین خود را صرفاً براساس حقوق داخلی و به طور یکسان نسبت به همه طلبکاران داخلی و خارجی اعمال نمایند. از جمله موارد همکاری کشورها امضای موافقتنامه در مورد استرداد اموالی است که از کشوری فراری داده شده‌اند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵).

برای توضیح اعمال جهانی یک مجموعه ورشکستگی سرزمینی مبتنی بر همکاری به‌نظر می‌رسد که بدهکار ممکن است ورشکستگی را در هر کشوری که آن اعمال شده پرونده‌سازی کند هر پرونده‌ای ممکن است دارای مرتبه مساوی باشد هر دادگاه ورشکسته‌ای فرض می‌کند صلاحیت را براساس دارایی‌های محلی خود دارد و تعیین می‌کند آیا با همکاری در یک سازمان چند ملیتی یا تسویه حساب بوده و در زمان تسویه حساب هر کدام از دارایی‌های شرکت در بین طلبکاران و سهامداران تحت قانون محلی توزیع شده‌اند.

مزیت این روش این است که فرآیند پیچیده یافتن مرکز اصلی منافع بدهکار را جهت تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم نداشته و طلبکارها می‌توانند به دادگاه محل وقوع مال جهت طرح دعوی ورشکستگی مراجعه نمایند و نه تنها هزینه‌های رسیدگی دادگاه و ثبت دادخواست را کاهش می‌دهد بلکه از مشکلات مراجعه به دادگاه‌های مختلف در بحث شرکت‌های چند ملیتی جلوگیری می‌کند (همان).

البته ایرادی که بر این نظریه وارد است، این است که همکاری با دادگاه‌های خارجی مطلق نبوده و در هر مورد، دادگاه آن کشور تصمیم خواهد گرفت که آیا تلاشی فراملی برای بازسازی یا تصفیه صورت پذیرد و یا رسیدگی براساس قوانین داخلی انجام شود. در بسیاری از موارد نیز شرایط

بازگرداندن بنگاه‌های دچار بحران به چرخه اقتصادی غیرممکن می‌شود چرا که ممکن است یک دادگاه بازسازی را مناسب تشخیص ندهد.

در مجموع، دیدگاه جهان شمولی برپایه دیدگاه‌های کشورهای توسعه یافته که محل اصلی فعالیت شرکت‌های چند ملیتی بیشتری در آنها ایجاد شده، مطرح شده است. لذا پذیرش مطلق این نظریه در کشورهایی مثل ایران که شرکت‌های چند ملیتی مرکز فعالیت اصلی آنها نمی‌باشد، قابل قبول نبوده و باعث دخالت دادگاه‌های کشورهای دیگر در امور حاکمیتی می‌شود، برای همین طلبکاران ایرانی را با هزینه‌های مراجعه به کشور دیگر روبه‌رو می‌نماید از طرفی دیدگاه سرزمینی هم کامل نبوده و ایرادات اساسی دارد. لذا ما از بین دیدگاه‌های مطرح شده دیدگاه سرزمینی مبتنی بر همکاری را مناسب‌تر برای حقوق ایران می‌دانیم.

۳. بررسی دادگاه صالح از لحاظ حقوق آمریکا و ایران

۳-۱. حقوق آمریکا

رژیم ورشکستگی ایالات متحده براساس قانون ۱۹۷۸ و اصلاحات بعدی آن می‌باشد و در حال حاضر در فصل یازدهم قانون ورشکستگی بیان شده و در سال ۲۰۰۵، بخش پانزدهم به قانون ورشکستگی ایالات متحده اضافه شد و بیانگر اتخاذ ایالات متحده از قانون نمونه آنسترال در بحث ورشکستگی بین‌المللی بود وقتی این بخش به تصویب رسید طرفداران جهان شمولی ادعا کردند که بخش ۱۵ به‌عنوان یک نوع پیروزی در این زمینه بوده و پیش‌بینی کردند که این بخش به‌عنوان اولین گام مهم و ضروری به سمت جهانی شدن قواعد ورشکستگی ایالات متحده پیش خواهد رفت. (Westbrook, 2006, p.325) اهداف ذکر شده برای بخش پانزدهم عبارتند از: همکاری میان ایالات متحده آمریکا و وکلای دیگر کشورها و دادگاه‌های آنها، تضمین قانونی وسیع‌تر برای تجارت و سرمایه‌گذاری، مدیریت عادلانه و موثر اموال، افزایش و حمایت از دارایی‌ها، تسهیل نجات شرکت‌های دارای بحران مالی (Keenan, 2007, p.17). بخش پانزدهم نه تنها نسبت به پرونده‌هایی که جنبه فرعی برای یک رسیدگی خارجی داشته باشند اعمال می‌شود، بلکه در مورد پرونده‌های داخل آمریکا که دارای موضوعات مهم فرامرزی هستند نیز اجرا می‌گردد.

در حقوق آمریکا در ابتدا طبق قسمت ۱۰۹ قانون ورشکستگی آمریکا هر شخصی که در آمریکا زندگی می‌کند یا دارای اقامتگاه، محل تجارت، یا اموالی باشد می‌تواند در دادگاه‌های آمریکا اقامه دعوی ورشکستگی نماید.

برای شروع یک پرونده طبق بخش پانزدهم، وکیل پرونده ورشکستگی بایست درخواستی مبنی بر تقاضای پذیرش و شناسایی^۱ طرح کند و مدارکی از جمله سند شروع دادرسی در دادگاه خارجی و تصدیق و کالت خویش را ارائه دهد. (Ibid, p 18)

حوزه قضایی دادگاه محدود به مکانی است که محل اصلی تجارت مدیون در آمریکا در آنجا قرار دارد. تمام طلبکاران داخلی و خارجی حق یکسانی برای آغاز دعوا و شرکت در این رسیدگی دارند. طبق قانون ایالات متحده امکان رسیدگی موازی به دو پرونده هم وجود دارد که نیازمند همکاری^۲ دو دادگاه است. (Elkin, 2012, p.5)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بخش پانزدهم، تعیین این موضع است که رسیدگی خارجی مطرح شده، یک رسیدگی اصلی یا فرعی است. به نظر می‌رسد که دادگاه‌های آمریکا از معیار مرکز اصلی فعالیت^۳ استفاده می‌کنند و یا معیارهایی را بکار می‌برند که در مقررات اروپایی و قانون نمونه آنسیرال بیان شده‌اند.

قسمت (۴) ۱۵۰۲ مقرر می‌دارد که یک رسیدگی خارجی اصلی، دعوایی است که در کشور مرکز اصلی فعالیت مدیون اقامه شده است. قسمت ۱۵۱۶ این اماره را بدست می‌دهد که محل دفتر ثبت شده بدهکار محل اصلی فعالیت او است. قسمت (۵) ۱۵۰۲ رسیدگی خارجی فرعی را در محلی می‌داند که مدیون در آنجا موسسه‌ای دارد. موسسه در قسمت (۲) ۱۵۰۲ به عنوان هر مکان عملیاتی تعریف شده که مدیون فعالیت‌های اقتصادی دایمی خود را انجام می‌دهد. (Gilhuly, 2016, p. 125)

بخش پانزدهم صلاحدید وسیع‌تری به دادگاه برای دادن حمایت و مزایا تفویض می‌کند. شناسایی یک رسیدگی خارجی مزایایی از قبیل توقف خودکار دعوی علیه مدیون را به همراه دارد^۳. با این حال برخی محدودیت‌ها همچنان ادامه خواهد داشت. مهمترین آنها، امکان وکیل خارجی برای طرح دعوا علیه معاملات قابل ابطال (معاملاتی که همراه با تقلب یا رفتار ترجیحی صورت

۱. مقصود از شناسایی، ترتیب اثر دادن به وضع حقوقی جدیدی است که حکم خارجی ایجاد کرده است

۲. Center of Main Interests

۳. 11 U.S.C. §§ 1520 and 1521.

گرفته‌اند) محدود به مواردی است که متعاقباً پرونده‌ای کامل طبق بخش یازدهم ارائه شود. در غیر این صورت، معاملات قابل ابطال در حوزه اختیارات و کیل خارجی طبق بخش پانزدهم نیستند (Ibid, p. 5)

لذا می‌توان گفت علی‌رغم اینکه بخش ۱۵ قانون ورشکستگی از قانون نمونه الگو برداری شده و با اهداف پیش‌بینی شده در قانون نمونه تصویب شده، با این حال تنها صرفاً اصول جهان‌شمولی را ننگ‌جانده و در برخی موارد مقررات را جهت حمایت از طلبکار داخلی اضافه نموده که متفاوت از قانون نمونه است بنابراین فصل ۱۵ با حفظ جنبه‌های حمایتی، متفاوت از اهداف جهان‌شمولی قانون نمونه است. (Gerber, 2003, p.2084)

۲-۳. حقوق ایران:

در حقوق ایران به موجب قسمت اخیر ماده ۹۷۱ قانون مدنی، مطرح بودن دعوا در دادگاه خارجی، رافع صلاحیت دادگاه ایران نمی‌باشد. به عبارت دیگر، هرگاه دادگاهی در خارج از ایران حکم ورشکستگی تاجری را صادر کرده باشد که دارای اموال و طلبکارانی در ایران است، دادگاه ایرانی نیز می‌تواند به موضوع ورشکستگی وی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر کند و تا زمانی که صدور حکم ورشکستگی از طرف دادگاه ایرانی صورت نگرفته، طلبکاران تاجر در ایران می‌توانند از کلیه حقوق برخوردار باشند. به عنوان مثال، می‌توانند علیه تاجر اقامه‌ی دعوی انفرادی کنند (اسکینی، ۱۳۹۰، ص ۱۲). در واقع، این‌گونه به نظر می‌رسد که تمایل قانونگذار ایرانی به سمت نظریه سرزمینی بودن یا چندگانگی ورشکستگی گرایش دارد.

مواد ۲۱ و ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی معیار تعیین صلاحیت برای رسیدگی به دعاوی ورشکسته را عنصر اقامتگاه تاجر و شرکت‌های تجاری دانسته است که البته اصلی است که در تمام قوانین کشورها پذیرفته شده است.

در خصوص دادگاه صالح به رسیدگی به دعاوی ورشکستگی فراسرزمینی باید شخص حقوقی را از شخص حقیقی تفکیک و جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

۳-۲-۱. شخص حقیقی تاجر

در مورد شخص حقیقی تاجر، ماده‌ی ۴۱۳ قانون تجارت تاجر را مکلف کرده تا ظرف سه روز از تاریخ وقفه در تادیبه دیونش مراتب را اعلام دارد و دادگاه مرجوع‌الیه را دادگاه محل اقامت او

تعیین نموده است. ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز این صلاحیت را تایید نموده است. این ماده اشعار می‌دارد: «دعوی راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.» اینکه برای رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر و صدور حکم، دادگاه محل اقامت وی صالح شناخته شده است، کاملاً با هدف قانونگذار در سازماندهی امور ورشکستگی منطبق است. در واقع هدف از رسیدگی به اموال ورشکسته و صدور حکم به شیوه‌ای خاص، این بوده که دعوی اشخاص راجع به اموال ورشکسته، چه منقول و چه غیر منقول، در یک محکمه جمع شود و در نتیجه در تصفیه و تقسیم اموال او تسهیل به وجود آید (اسکینی، ۱۳۹۰، ص ۴۶).

۳-۲-۲. اشخاص حقوقی

در خصوص اشخاص حقوقی، ذیل ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی بیان شده که اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود. با این حال در ماده ۵۹۰ قانون تجارت، ترتیب دیگری مقرر شده و بیان می‌کند: «اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجاست.» بعضی از حقوقدانان تفاوتی بین این دو مفهوم قائل نیستند و بیان می‌دارند که منظور از مرکز عملیات، همان مرکز مهم امور شخص حقوقی است. منظور از کلمه «اداره شخص حقوقی» مذکور در ماده ۵۹۰ قانون تجارت نیز، مرکز مهم امور شخص حقوقی می‌باشد. بر اساس این نظریه، که قابل دفاع هم می‌باشد، تعارضی بین مواد مزبور وجود ندارد و اقامتگاه شرکت، مرکز اصلی آن می‌باشد (شمس، ۱۳۹۱، ص ۳۸۳).

با لحاظ این موضوع که این دو اصطلاح مفهوم واحدی ندارند حقوقدانان نظرات متفاوتی را بیان نموده‌اند، بعضی از حقوقدانان اقامتگاه را مرکز عملیات دانسته‌اند و بیان می‌دارند که قانون مدنی دو سال پس از تصویب قانون تجارت وضع گردیده لذا قانون تجارت در این زمینه نسخ شده است و باید حکم ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی اعمال شود. (اعظمی زنگنه، حقوق بازرگانی، ص ۶۹) اما نظر اکثر حقوقدانان ایران بر این است که قانون مدنی ناسخ قانون تجارت نیست چرا که قانون تجارت در مقایسه با قانون مدنی به ویژه در خصوص شرکت‌های تجاری خاص است و تاخیر قانون مدنی هیچ گونه تاثیری در اعتبار قانون تجارت ندارد لذا اقامتگاه شرکت‌های تجاری به تبعیت از قانون تجارت

محل اداره شرکت است (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۱؛ اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۶۶) مضافاً اینکه وفق ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، ملاحظه می‌گردد که این ماده نیز حکم ماده ۵۹۰ را در مورد شرکت‌های تجاری تأیید می‌کند. به این ترتیب اقامتگاه شرکت‌های تجاری مرکز مهم امور آنها خواهد بود. این نظر مورد تأیید ما نیز می‌باشد.

اگر بازرگان در ایران اقامتگاه نداشته باشد، دعوای توقف در دادگاهی اقامه می‌شود که شعبه یا نمایندگی بنگاه تجاری او در حوزه آن قرار دارد. ممکن است تاجری دارای تجارت‌خانه‌ای با چند شعبه یا چندین تجارت‌خانه مختلف باشد. در این حالت در مورد اینکه کدام دادگاه صالح خواهد بود، ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی صرفاً به این نکته اشاره می‌کند که: «دعوای راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که اقامتگاه شخص متوقف یا ورشکسته در حوزه آن واقع است.» این حکم، مساله را حل نمی‌کند و قانون در پاسخ به این پرسش ساکت است. در حقوق فرانسه دعوای ورشکستگی در دادگاه محل مؤسسه اصلی بازرگان قابلیت طرح دارد. این راه حل به زحمت از ملاک دو ماده ۲۱ و ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی قابل استخراج خواهد بود. لذا اعم از اینکه یک تجارت‌خانه با شعب یا چندین تجارت‌خانه در نظر گرفته شود، دعوای توقف و ورشکستگی تاجر در دادگاه محل مؤسسه تجاری اصلی قابل طرح خواهد بود (صقری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷). اما سوالی که ایجاد می‌شود این است که آیا می‌توان در حقوق ما با توجه به عدم وجود نصی خاص درباره صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به دعوای توقف شرکت‌های چندملیتی، به مواد ۲۱ و ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی رجوع کرد؟

هرگاه مرکز اصلی شرکت چندملیتی در ایران قرار داشته باشد، به موجب قسمت اول ماده ۲۶ آیین‌نامه قانون اداره تصفیه دادگاه صالح برای رسیدگی است و حکم صادره در خارج از کشور نیز در صورتی که اجرای آن در کشورهای خارجی شناسایی و پذیرفته شود، قابل اجراست. برعکس هرگاه اقامتگاه شرکتی در خارج از ایران بوده ولی در ایران شعبه یا نمایندگی داشته باشد، حکم توقف دادگاه خارجی مانع صدور حکم از دادگاه ایران نبوده و دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به دعوای توقف شرکتی که در ایران دارای شعبه یا نمایندگی است را دارد (م ۲۱ ق.آ.د.م) طلبکاران نیز می‌توانند درخواست اعلام ورشکستگی را به دادگاه محل شعبه تاجر ورشکسته در ایران تقدیم کنند، ولی در این صورت حکم صادره تنها جنبه سرزمینی دارد. (کریم کاشی، ۱۳۸۵،

اما در خصوص حالتی که شرکت چند ملیتی که مرکز اصلی آن در خارج از ایران است و در ایران شعبه‌ای ندارد و صرفاً اموالی در ایران دارد با توجه به سکوت قانونگذار نویسندگان حقوقی نظرات متفاوتی را بیان کرده‌اند. عده‌ای بیان داشته‌اند با توجه به اصل سرزمینی بودن مقررات ورشکستگی و ماده ۲۳ ق.آ.د.م دادگاه ایران صالح به رسیدگی می‌باشد. (عرفانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶) در مقابل عده‌ای دیگر بیان داشته‌اند که با توجه به اصل مضیق بودن تفسیر قوانین شکلی و نظر به اینکه مبنای تعیین صلاحیت در دعاوی ورشکستگی، اعم از داخلی و فرامرزی، در نظام حقوقی ایران، در درجه اول «عنصر اقامتگاه» و در درجه بعدی «شعبه یا نمایندگی» است. لذا صرف استقرار اموال در کشور ایران، تأسیس صلاحیت نمی‌کند (سربازیان و صادقی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۳).

بنابراین دادگاه‌های ایران، صلاحیت خود را در دعاوی ورشکستگی، محدود به قلمرو سرزمینی نکرده، بلکه برای خود، صلاحیت جهانی و فراسرزمینی قائل هستند یعنی اموال بدهکار متوقف در هر جا واقع شده باشد مشمول دعاوی ورشکستگی مطرح در دادگاه‌های ایران است.

۳-۲-۳. بررسی عملکرد کشور ایران در رسیدگی به دعاوی ورشکستگی بین‌المللی

همان‌گونه که با موج اصلاح قوانین ورشکستگی در دنیا، قانونگذار ایرانی نیز در لایحه جدید تجارت، باب نهم را به موضوع ورشکستگی بین‌المللی اختصاص داده که در واقع اقتباسی از قانون نمونه‌ی آنسیترال می‌باشد. مجلس شورای اسلامی برای همسو شدن با کشورهای دیگر و ایجاد هماهنگی بیشتر میان کشورها در رسیدگی به این قبیل دعاوی، لایحه جدید تجارت را در سال ۱۳۹۱ تصویب کرد که این لایحه همسو با قانون نمونه آنسیترال می‌باشد. به عبارت دیگر اصولاً دادگاهی که مرکز اصلی فعالیت تاجر است صالح به رسیدگی می‌باشد، اما در عین حال از کشورهای دیگری که تاجر در آنجا موسسه یا اموالی دارد نیز می‌تواند تقاضای همکاری بکند. ماده ۱۱۹۴ لایحه تجارت بیان می‌دارد که دادگاه ایران برای سرعت در رسیدگی به وضعیت تاجر ورشکسته و ایجاد هماهنگی برای رسیدگی، همکاری لازم را با دادگاه‌های کشورهای دیگر در موارد زیر به عمل می‌آورد:

۱. در نصب شخص یا اشخاص معین برای اقدام بر طبق دستور دادگاه؛
۲. تبادل اسناد، مدارک و اطلاعات به هر وسیله مناسب به تشخیص دادگاه؛
۳. هماهنگ کردن اداره و نظارت بر اموال و امور بدهکار؛
۴. تایید یا اجرای توافقات مربوط به هماهنگ کردن رسیدگی‌ها از سوی دادگاه؛

۵. هماهنگ کردن رسیدگی‌های همزمان مربوط به یک بدهکار.

همانطور که ملاحظه می‌شود لایحه جدید قانون تجارت در زمینه ورشکستگی‌های بین‌المللی تاثیر عمده‌ای از قانون نمونه گرفته است هرچند لازم است که در خصوص معیار انتخاب دادگاه صالح به رسیدگی و همچنین پذیرش آرای دادگاه خارجی و اقدامات مدیران تصفیه تعیینی توسط دادگاه‌های خارجی دقت بیشتری نموده و به طور مطلق از کنوانسیون آنسیترال اقتباس نگردد و ضمناً لازم است استثناهایی را در خصوص حمایت از طلبکار ایرانی قائل شده و با پذیرش مطلق حق دخالت دادگاه خارجی را در مسایل حاکمیتی از جمله ورشکستگی ندهد.

۴. دیدگاه قانون نمونه آنسیترال ۱۹۹۷

اگرچه یکی از حقوقدانان معتقد است که دو عامل مانع انعقاد معاهده‌ای جهانی راجع به ورشکستگی‌های فرامرزی شده‌اند، که یکی تعارض منافع کشورهای نماینده طلبکاران و بدهکاران، و دیگری جبهه‌گیری و ساختار سیاسی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و باشگاه پاریس است (Seavey, 2006, p.499)، با این وجود کمال مطلوب برای رسیدگی سریع‌تر به ورشکستگی‌های بین‌المللی این است که در این مورد کنوانسیون جهانی وجود داشته باشد. نظر به توسعه روزافزون تجارت جهانی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در کلیه زمینه‌ها نیاز به تدوین و تنظیم مقررات تجاری و به طور کلی متحول ساختن قوانین حاکم بر معاملات در سطح بین‌المللی و رفع موانع قانونی تجارت بین‌الملل و نوسازی و هماهنگ سازی قوانین تجاری، سازمان ملل متحد را به سوی تاسیس نهادی قانون‌گذار در جهت یافتن مقررات یکنواخت بین‌المللی سوق داده است. کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر سال ۱۹۶۶ میلادی تاسیس شد. فعالیت جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل از سال ۱۹۸۹ میلادی با عضویت در کمیسیون آغاز شد و نمایندگان دولت در گروه‌های کاری این کمیسیون در زمینه‌های ضمانت‌نامه‌ها، اعتبارات بین‌المللی و ورشکستگی برون مرزی شرکت نموده و نظرات حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران را همراه با نمایندگان سایر دولت‌ها ارائه کرده‌اند. کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) در سال ۱۹۹۷ قانون نمونه‌ای را در خصوص ورشکستگی فرامرزی تدوین و تصویب کرد و به کشورها پیشنهاد داد که با درج آن در قوانین ملی خود به ایجاد هماهنگی و یکنواختی در برخورد با دعاوی ورشکستگی فرامرزی کمک کنند.

قانون نمونه یا الگو مقرراتی هستند که ابتدا به صورت طرح در گروه‌های کاری مطرح شده و پس از تشریک مساعی دولت‌ها به صورت طرح نهایی در کمیسیون مورد تصویب قرار خواهند گرفت. این قوانین به خودی خود می‌توانند مبنای رویه و عرف بین‌الملل در حقوق تجارت قرار گرفته و از طریق قوه مقننه به صورت قانون داخلی مورد استفاده اتباع و دولت‌ها قرار گیرند (نیک‌انجام، ۱۳۷۷، ص ۷۴۹). با توجه به آنکه افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری فرامرزی، منجر به افزایش مواردی می‌شود که در آن، اموال موسسات تجاری و افراد در بیش از یک کشور موضوع یک رسیدگی قرار می‌گیرد، اغلب نیازی فوری به همکاری و هماهنگی فرامرزی در نظارت و اداره اموال و امور بدهکار ورشکسته وجود دارد. یک قانون‌گذاری منصفانه و هماهنگ از نظر بین‌المللی در خصوص ورشکستگی فرامرزی که به نظام‌های شکلی و قضایی ملی احترام گذارد به توسعه‌ی تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری کمک خواهد کرد.

به نظر می‌رسد قانون مصوب آنتیترال، حالت تعدیل شده‌ی نظریه جهان شمولی مقررات ورشکستگی می‌باشد. این نظریه (جهان‌شمولی)، معتقد است موضوع ورشکستگی بین‌المللی باید به موجب یک قانون و تحت نظارت یک دادگاه و با صلاحیتی جهانی رسیدگی شود. در این دیدگاه، دادگاه رسیدگی کننده قوانین ملی خود را به منظور تشخیص بازسازی یا تصفیه و نیز تعیین حق تقدم‌ها و نحوه‌ی توزیع اموال میان طلبکاران، اعمال خواهد نمود و کلیه‌ی اموال بدهکار، در هر کجا که واقع شده باشد، مشمول رسیدگی است (Lopucki, 2000, p.2216) و دادگاه کشورهایی که اموال بدهکار در حوزه‌ی آن قرار دارد با در اختیار قرار دادن آن اموال، دادگاه رسیدگی کننده را قادر به اعمال جهانی صلاحیت خواهند نمود (Bebchuk, 1999, p.782).

به عبارت بهتر، سایر کشورها مأمور اجرای دستورات این دادگاه هستند و حکم این دادگاه نیز دارای اثر جهانی است و اموال مورد حکم با همکاری دادگاه‌های محل وقوع آنها در اختیار دادگاه رسیدگی کننده قرار می‌گیرد (Westbrook, 1998, p.28). این که میان دادگاه‌های مختلف در گیر در موضوع، کدام دادگاه از چنین حق کاملی برخوردار است، ظاهراً در مورد آن اجماع وجود دارد و آن کشور اصلی ورشکسته است اما در مورد اینکه مفهوم «کشور اصلی» چیست، اختلاف وجود دارد. اختلاف نظریه‌پردازان موجب شده است که گاه دادگاه کشور اصلی، دادگاهی باشد که شرکت در آنجا ثبت شده است و یا دادگاه کشوری که عمده‌ی اموال یا فعالیت‌های ورشکسته در آن قرار دارد.

قانون نمونه در ماده ۲، معیار تشخیص دعوی اصلی خارجی^۱ از غیر اصلی را «مرکز منافع اصلی بدهکار»^۲ بیان نموده است و در بند ۳ ماده ۱۶ بیان می‌دارد: «در صورت فقدان دلیل مخالف، محل ثبت شخص بدهکار، و در مورد اشخاص حقیقی، محل سکونت دائمی، به عنوان مرکز منافع اصلی بدهکار فرض می‌شود». بنابراین، مبنای تعیین کشور مرجع در قانون نمونه، اقامتگاه قانونی است. معمولاً در قوانین داخلی کشورها برای تعیین کشور مرجع، از معیارهایی مانند اقامتگاه مدیون، محل ثبت شرکت، محل استقرار حجم عمده فعالیت‌های شرکت و مرکز اصلی استفاده می‌شود. (Lopucki, 1999, p.741)

اما در قانون نمونه از مفهوم کلی‌تر «مرکز منافع اصلی مدیون» که اصولاً بر محل سکونت دائمی بدهکار حقیقی و محل ثبت شرکت بدهکار اطلاق می‌شود، استفاده کرده است لذا با جمع مواد ۲ و ۱۶ قانون نمونه می‌توان گفت در صورت فقدان دلیل مخالف، دعوی «اصلی» ورشکستگی، اعم از اینکه در قالب بازسازی یا تصفیه باشد در صلاحیت دادگاه محل ثبت اشخاص حقوقی یا محل اقامت اشخاص حقیقی است مگر اینکه ثابت شود اقامتگاه مدیون، غیر از این موارد است (سربازیان و صادقی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).

در هر حال، به اعتقاد همه‌ی طرفداران نظریه جهان شمولی، دادگاه مناسب برای رسیدگی، دادگاه کشور اصلی بدهکار است. لذا کلیه‌ی ادعاها علیه بدهکار باید در آن مطرح و رسیدگی شوند (Gilreath, 2000, p.407). همچنین هیچ رسیدگی دیگری انجام نخواهد شد مگر تا حدی که برای همکاری با دادگاه اصلی رسیدگی کننده لازم باشد. همکاری با دادگاه سایر کشورها و اجرای دستورات آنها نیز ماخوذ به قانون داخلی و یا کنوانسیون بین‌المللی خواهد بود. قانون نمونه‌ای که آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی تصویب نموده در راستای هماهنگ‌سازی کشورها برای رسیدگی سریع‌تر به ورشکستگی می‌باشد. در واقع اصولاً کشوری که اقامتگاه تاجر در آن است به دعوی ورشکستگی رسیدگی می‌کند و سایر کشورهایی که اموال تاجر در آنجا قرار دارد یا تاجر شعبه‌ای دارد، برای رسیدگی هر چه سریع‌تر و هماهنگ‌تر، همکاری لازم را به جا می‌آورند.

در این قانون به همکاری دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعاوی ورشکستگی تأکید شده است. لذا زمانی که کشوری، که مرکز اصلی فعالیت تاجر در آنجاست و رسیدگی اصلی اصولاً با آن دادگاه

۱. دعوی اصلی خارجی عبارت است از رسیدگی خارجی که در کشوری که مرکز اصلی بدهکار است، واقع می‌شود.

۲. Center of the Debtor's Main Interests (COMI)

است، شروع به رسیدگی می‌کند، باید طبق ماده مذکور همکاری لازم با آن برای رسیدگی سریع‌تر و هماهنگ‌تر صورت بگیرد. به عنوان مثال مرکز اصلی تاجر در ایران است و تاجر موسساتی (طبق تعریفی که ماده ۲ قانون نمونه ارایه داده است، موسسات به معنای هر محل عملیات مدیون است که فعالیت اقتصادی با ابزار و کالاها و خدمات انسانی دارد) در کشورهای دیگر دارد، دادگاه ایران می‌تواند در خصوص تبادل اطلاعات از آن کشورها درخواست معاضدت کند و یا دادگاه ایران از کشوری که موسسات تاجر در آن واقع است درخواست رسیدگی فرعی کند. همچنین در مقابل، اگر دعوای اصلی در خارج مطرح بوده یعنی مرکز اصلی تاجر در خارج از ایران باشد و لیکن تاجر موسساتی در ایران داشته باشد، کشور ایران باید همکاری لازم را با کشوری که رسیدگی اصلی با آن است، چه از لحاظ تصفیه این موسسات یا دادن اطلاعات و... به عمل آورد.

در یک کلام، هدف نهایی قانون نمونه آنسیترال همکاری کشورهای پذیرنده‌ی آن برای سرعت در رسیدگی و ایجاد هماهنگی هرچه بیشتر میان کشورهایایی است که تاجر در آنها موسساتی دارد، تا از این طریق از بروز تعارض در رسیدگی به یک پرونده واحد که مربوط به تاجری است که در سطح بین‌المللی اموال و موسسات مختلفی دارد، جلوگیری شود. البته در مواردی حصول همکاری نیاز به شناسایی رسیدگی خارجی (چه فرعی و چه اصلی) از سوی کشوری که از او تقاضای همکاری شده است، دارد. در ماده ۱۱ قانون نمونه بیان شده نماینده خارجی حق دارد شروع رسیدگی را در کشور پذیرنده این قانون درخواست کند و به شرط شناسایی رسیدگی خارجی، محق خواهد بود در رسیدگی مربوط به همان بدهکار شرکت نماید.

در فصل چهارم این قانون بار دیگر به صراحت از همکاری دادگاه‌ها با دادگاه‌های خارجی و نمایندگان خارجی سخن گفته شده است. این همکاری را می‌توان در دو دسته جای داد: مورد اول همکاری و ارتباط مستقیم بین دادگاه کشور و دادگاه‌های خارجی یا نمایندگان خارجی می‌باشد. به این شکل که دادگاه در موارد موضوع ماده ۱، حداکثر همکاری لازم را با دادگاه‌های خارجی یا نمایندگان خارجی به عمل خواهد آورد. این همکاری خواه مستقیم یا از طریق شخص یا نهاد مربوط به امور تصفیه طبق قانون کشور محل دادگاه خواهد بود. همچنین دادگاه می‌تواند مستقیماً برای کسب اطلاعات یا همکاری از دادگاه‌های خارجی یا نمایندگان خارجی درخواست همکاری کند. (طبق ماده ۲۵)

مورد دوم همکاری و ارتباط مستقیم بین مدیر تصفیه طبق قانون ورشکستگی کشور با دادگاه‌ها یا نماینده خارجی است. به این صورت که در موارد مربوط به موضوع ماده ۱ مدیر تصفیه یا نهاد تصفیه کشور جهت اجرای وظایف خود و تحت نظارت دادگاه می‌تواند مستقیماً با دادگاه‌های خارجی یا نمایندگان خارجی حداکثر همکاری لازم را به عمل آورد و همچنین مدیر یا نهاد تصفیه در جهت انجام وظایفش، ارتباط مستقیمی با دادگاه‌ها و نمایندگان خارجی و تحت نظارت دادگاه خواهد داشت. (ماده ۲۶)

شایان ذکر است که همکاری موضوع مواد ۲۵ و ۲۶ را به هر طریقی از جمله موارد زیر می‌توان انجام داد:

(الف) انتصاب شخص یا ارگانی که تحت نظر دادگاه کار کند؛

(ب) تبادل اطلاعات به هر وسیله‌ای که دادگاه مناسب بداند؛

(ج) هماهنگی در مورد اداره و نظارت دارایی‌ها و امور مدیون؛

(د) پذیرش یا اجرا توسط دادگاه در مورد توافق‌های مربوط به هماهنگی در دعاوی؛

(ه) هماهنگی در دعاوی هم‌زمان در ارتباط با مدیون؛

(و) انواع دیگر همکاری‌ها طبق قانون کشور.

لذا مبنای تعیین دادگاه صالح در رسیدگی به دعوای ورشکستگی براساس قانون نمونه «مرکز منافع اصلی بدهکار» است که در خصوص اشخاص حقوقی «محل ثبت» مرکز منافع اصلی بدهکار فرض می‌شود که البته خلاف آن قابل اثبات است و در خصوص اشخاص حقیقی، اصولاً محل اقامت دائمی به عنوان اقامتگاه قانونی مفروض است.

با توجه به مطالب پیش گفته مبنای کنوانسیون آنسیترال نظریه جهان‌شمولی می‌باشد برای همین، اگر اکثر کشورها قانون نمونه را تصویب، و در قوانین داخلی خود وارد نمایند در رسیدگی به دعاوی ورشکستگی بین‌المللی پیشرفت و هماهنگی ایجاد خواهد شد والا این نظریه کارایی خودش را ندارد.

نتیجه

تحقیق پیش‌رو درصدد بررسی این موضوع بود که در دعاوی ورشکستگی بین‌المللی کدام دادگاه صالح به رسیدگی می‌باشد و بدین منظور سیر پیشرفت و تحولی که در مقررات ورشکستگی

اتفاق افتاده، بیان گردید. در ابتدا دو نظریه سنتی مغایر و دلایل موافقان و مخالفان آنها بیان شد. نظریه اول نظریه وحدت و عمومیت ورشکستگی است، که طبق آن تنها یک دادگاه واحد صالح به رسیدگی می‌باشد و آن دادگاه محل اقامتگاه تاجر می‌باشد. اما نظریه سنتی دیگر، نظریه سرزمینی بودن و چندگانگی ورشکستگی است که طبق این نظریه، دادگاه‌های هر کشوری که تاجر ورشکسته در آنجا شعبه یا شرکت فرعی یا اموالی دارد نیز صلاحیت رسیدگی به دعوی ورشکستگی وی را خواهند داشت. کمیسیون آنسترال این دو نظریه را باهم آشتی داد و حاصل کار آن کمیسیون به صورت قانون نمونه ورشکستگی فرامرزی تهیه شد. در این کنوانسیون دادگاه رسیدگی کننده قوانین ملی خود را به منظور تشخیص بازسازی یا تصفیه و نیز تعیین حق تقدم‌ها و نحوه‌ی توزیع اموال میان طلبکاران، اعمال خواهد نمود و کلیه‌ی اموال بدهکار، در هر کجا که واقع شده باشد، مشمول رسیدگی است. سایر کشورها نیز مأمور اجرای دستورهای این دادگاه هستند. در خصوص مبنای تعیین کشور مرجع با جمع مواد ۲ و ۱۶ قانون نمونه می‌توان گفت در صورت فقدان دلیل مخالف، دعوی «اصلی» ورشکستگی، اعم از اینکه در قالب بازسازی یا تصفیه باشد در صلاحیت دادگاه محل ثبت اشخاص حقوقی یا محل اقامت اشخاص حقیقی است مگر اینکه ثابت شود اقامتگاه مدیون، غیر از این موارد است. قانون ایالات متحده آمریکا که الهام گرفته از قانون نمونه آنسترال می‌باشد، با ایجاد رسیدگی اصلی و فرعی، تحولی در رسیدگی به دعوی ورشکستگی ایجاد کرد. طبق نوآوری ایالات متحده، دادگاهی که اقامتگاه و مرکز مهم امور تاجر است رسیدگی اصلی را به عهده می‌گیرد و کشورهای دیگر که تاجر در آنها دارای اموال یا موسسه و... می‌باشد رسیدگی فرعی را انجام می‌دهند. دادگاه‌هایی که رسیدگی به دعوی ورشکستگی، چه رسیدگی اصلی و چه فرعی، را به عهده دارند، با یکدیگر همکاری لازم در تبادل اطلاعات، و همچنین تایید یا اجرای توافقات به منظور هماهنگی هر چه بیشتر رسیدگی‌ها را انجام می‌دهند.

علی‌رغم اینکه دیدگاه کنوانسیون آنسترال و حقوق آمریکا گام‌های بزرگی در جهت همسو نمودن حقوق داخلی کشورها برداشته‌اند، اما اقتباس مطلق از این کنوانسیون برای کشورهایی از جمله ایران که شرکت‌های چندملیتی در آن مرکز امور اصلی خود را قرار نمی‌دهند با حقوق طلبکاران داخلی سازگار نبوده و عملاً همیشه دادگاه‌های کشورهای دیگر صالح به رسیدگی به اموال مستقر در قلمرو سرزمینی خواهند بود. بدین ترتیب، عملاً امکان دخالت مدیر تصفیه خارجی را در تقسیم اموال داخلی فراهم می‌شود.

لذا پیشنهاد می‌شود قانونگذار ایران در مقام تصویب لایحه قانون تجارت با پذیرش نظریه سرزمینی مبتنی بر همکاری که مناسب‌تر با حقوق ایران می‌باشد، همکاری پسین در خصوص ورشکستگی را پذیرفته و یا اگر قصد اقتباس از کنوانسیون آنستیرال را دارد در بعضی موارد استثنا قائل شود و به طلبکاران محل افتتاح شعبه نیز حق اقامه دعوا در محل استقرار شعبه بدهکار را بدهد. همچنین، پذیرش رای دعوای اصلی را منوط به رعایت شرایطی نماید، به نحوی که شناسایی خودکار این رای را بپذیرد تا حقوق طلبکاران داخلی رعایت گردد. به علاوه، اختیار مطلق به مدیر تصفیه دعوای اصلی داده نشود به نحوی که زیر نظر دادگاه ایران اقدام نماید.

فهرست منابع

فارسی

- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۸)، **حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری**، ج اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۰)، **حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته**، چاپ ۱۴، تهران: سمت.
- اعظمی زنگنه، عبدالحمید (۱۳۴۶)، **حقوق بازرگانی**، به سعی و اهتمام سهراب امینیان، چاپ سوم، بی‌جا: بی‌نا.
- انصاری معین، پرویز (۱۳۸۷)، **حقوق تجارت بین‌الملل**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۷۵) **حقوق تجارت**، جلد ۱ و ۲، تهران: نشر دادگستر.
- سربازیان، مجید، صادقی، عبدالرضا (۱۳۹۳)، **تحلیل سیاست تقنینی آنستیرال، اتحادیه اروپا و حقوق ایران در زمینه شناسایی و اجرای حکم ورشکستگی خارجی**، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۱، صص ۱۲۵-۱۶۲.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۱)، **آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته**، ج اول، چاپ ۲۸، تهران: انتشارات دراک.
- صقری، محمد (۱۳۸۸)، **حقوق بازرگانی ورشکستگی**، ج اول و سوم، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عرفانی، محمود (۱۳۸۸)، **حقوق تجارت ورشکستگی و تصفیه اموال**، ج ۴، چاپ اول، تهران: جنگل.
- کریم کاشی، رضا (۱۳۸۶)، **تعارض دادگاه‌ها در دعوای توقف شرکت‌های چندملیتی**، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره یازدهم، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۸۶.
- محمدی، سام و کدیور، حسام (۱۳۹۲)، **ابهام در ورشکستگی بین‌المللی؛ در جستجوی دیدگاه مناسب**، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، سال بیستم، شماره ۳، صص ۱۱۰-۱۳۴.
- نصیری، مرتضی (۱۳۸۳)، **حقوق تجارت بین‌المللی در نظام حقوق ایران**، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نیک‌انجام، شهناز (۱۳۷۷)، **سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل (آنستیرال)**، مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۷۴۷-۷۶۶.

انگلیسی

- Bebachuk, Lucian Arye and Guzman, Andrew T (1999), **an Economic Analysis of Transnational Bankruptcies**, Journal of Law and Economics, Vol. 42.
- Bufford, Samuel L., DeCarl Adler, Louise, Brooks, Sidney B., Krieger, Marcia S. (2001), **International Insolvency**, Federal Judicial Center, International Law Relations Committee of the National Conference, United States.
- Chopra, S. (1994), **Multinational Corporations in the Aftermath of Bhopal: The Need for a New Comprehensive Global Regime for Transnational Corporate Activity**, Valparaiso University Law Review, vol. 29, No 1.
- Chung, John, (2006), **The New Chapter 15 of the Bankruptcy Code: A Step Toward Erosion of National Sovereignty**, 27 Northwestern Journal of International Law & Business. 89, 94
- European Union Regulation No 1346/2000 of 29 (May 2000) on insolvency proceedings. Official Journal L 160 , 30/06/2000 , Available at: www.ue.eu.int/ueDocs/cms_Data/docs/dynadoc/jo/jai/EN/ST005630_00ORIE N.pdf.
- Gerber, Elizabeth J. (2003), **Not All Politics Is Local: The New Chapter 15 To Govern Cross-Border Insolvencies**, Fordham Law Review, Volume 71 | Issue 5.
- Gilreath, Cameron M. (2000), **"Overveiw and Affect United States Cooperations doing business Abroad"**, Bakruptcy Developments Journal, Vol. 16.
- GILHULY, GILHULY- Posin Kimberly A.- Malatesta, Adam E. (2016) **"BANKRUPTCY WITHOUT BORDERS: A COMPREHENSIVE GUIDE TO THE FIRST DECADE OF CHAPTER 15"**, ABI LAW REVIEW Vol. 24: 47
- Granfield Lindsee P. & O'Neal Sean A. (2008), **International Insolvency and Bankruptcy**, Cleary Gottlieb Steen & Hamilton LLP.
- Jadaud, B. et Plaisant, R. (1976) **Droit du commerce international**, Paris: Dalloz.
- Judith Elkin,(2012), **"Chapter 15 of the U.S. Bankruptcy Code: Overview of Procedures for Cross-Border Insolvencies"**, Haynes and Boone.
- Kipnis, Alexander. M. (2008), **"Beyond UNCITRAL: Alternatives to Universality in Transnational Insolvency"**, Denver Journal of International Law and Policy, Vol. 36:2.
- Lopucki, Lynn, M. (1999), **"Cooperation in International Bankruptcy: A Post-Universalist Approach"**, vol. 84 Cornell Law Review. 696, 709
- Lopucki, Lynn M. (Jun 2000), **"The case for cooperative Territoriality in International Bankruptcy"**, Michigan Law Review 2216; Vol. 98, Issue 7.
- Loussouarn, Y, et Bredin, J. (1969), **Droit du commerce international**, Paris: Sirey.
- Mucciarelli, Federico M. (2013), **"Not Just Efficiency: Insolvency Law in the EU and Its Political Dimension"**, European Business Organization Law Review 14: 175-200.

- Paul Keenan, Mark Bloom and James Leshaw, Greenberg Traurig, (2007/08) "**Chapter 15: the US cross-border insolvency law**", PLC Cross-border Restructuring and Insolvency Handbook.
- Seavey, Charles, (2006), "**The Anomalous Lack of an International Bankruptcy Court**", Berkeley Journal of International Law, Vol.24, 499.
- "United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL) Model Law on Cross-Border Insolvency", 30 May 1997, available at: www.uncitral.org/pdf/english/texts/insolven/insolvency-e.pdf.
- Westbrook, Lawrence, J. (1998), "**Universal Priorities**", Texas International Law Journal, vol. 33, No. 1.
- Westbrook, Lawrence J. (2000), **A Global Solution to Multinational Default**, Michigan Law Review, Vol. 98.
- Westbrook, Lawrence J (2006), **Multinational Financial Distress: The Last Hurrah of Territorialism**, Book Review 41 Texas International Law Journal.
- Westbrook, Lawrence J (2005), **Universalism and Choice of Law**, 23 PENN STATE INTERNATIONAL LAW REVIEW. 625, 625-6.